



۲۰۱۷/۰۷/۲۲

م. نعیم بارز

آیا پاکستان با فشارهای تازه ناتو به دست کشیدن از حمایت تروریسم تمکین خواهد کرد؟

بخش دوم و اخیر

در پیوست به گذشته تحت عنوان بالا که بیشتر از دید داخلی به مسایل پرداخته شده بود، قبل از آن هم به تاریخ ۱۲ / ۲ / ۲۰۱۷ زیر عنوان (برغم بی باوری ها احتمال صلح نسبی بین افغانستان و پاکستان . . .) آمده است که دولت پاکستان همواره به فکر نفوذ سیاسی در افغانستان بوده و بعد از تجاوز نظامی دولت شوروی سابق مدت ده سال فرصت خوبی را بدست آورد که تقسیم سلاح و امداد های بین المللی را به گروه های مقاومت افغان وسیله شده و ضمن هر نوع استفاده به این خیال باطل افتد که پس از خروج قوای شوروی از افغانستان می تواند زیر نام «حزب اسلامی» به رهبری گلبدین حکمتیار، افغانستان را تحت نفوذ خود در آورد. مگر به این نیت خود نرسید زیرا گروه های افغان وابسته پاکستان و ایران هر کدام بر سر کسب انحصار قدرت باهم درگیر جنگ شده و کشور را به ویرانه ای مبدل نمودند.

سر انجام گروه طالبان گلیم دیگران را جمع کرده و مدت پنج سال با استبداد وحشتبار حکومت کرد، دست آورد نهایی گروه های مذکور رویداد تروریستی ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ بود که سازمان القاعده به رهبری اسامه بن لادن، تحت حمایت پاکستان و با استفاده از سنگر افغانستان برج های نیویارک را مورد حمله قرار داد. آنگاه دولت امریکا با نیروی هوایی و پیاده نظام گروه های شکست خورده افغان تحت رهبری احمد شاه مسعود، عبدالریشد دوستم و غیره رژیم طالبان را سقوط داد، اما متأسفانه رئیس جمهور بوش از حزب جمهوری خواه و پس از آن طی دو دوره رئیس جمهور بارک اوباما از حزب دموکرات یک سیاست غیر واقع بینانه ای کج دار و مریز را در قبال گروه های طالبان و حامی اصلی آنها دولت پاکستان تعقیب نموده که تا کنون نه تنها صلح و امنیت در افغانستان برقرار نشده بلکه روز تا روز جنگ و عملیات تروریستی تشدید یافته است.

طور مثلاً: چهارشنبه ۴ نومبر ۲۰۱۵ جف دیوس سخنگوی پنتاگون در واشنگتن در یک نشست خبری در جواب سوال یک خبرنگار مطالبی را گفت که بازتاب وسیعی بر مطبوعات بین المللی داشت. وی گفت که «واشنگتن طالبان افغان را یک شریک مهم در روند آشتی در این کشور می داند و این گروه را تروریست به حساب نمی آورد، امریکا قصد ندارد تا طالبان را هدف قرار دهد. وی فقط گروه های القاعده و داعش را در افغانستان به عنوان گروه های که هدف واشنگتن اند نام برد.

به اساس این نوع سیاست ها و عملکرد های بغرنج و ناروشن بوده که دولت ایالات متحده آمریکا در گیر طولانی ترین جنگ در تاریخ آن کشور شده که صد ها میلیارد دالر مصارف نظامی غیر ضروری را زیر نام جنگ افغانستان متقبل گردیده و تا کنون هم با وجود نزدیک به ۳۰۰۰ نفر تلفات امریکایی ها و پنج شش صد نفر از بقیه نیرو های ائتلاف بین المللی و در این قدر مدت هر روز ده ها عسکر، پولیس و مرد و زن و طفل بیگناه افغان به قتل رسیده اند.

در آن نوشته که ذکر آن در بالا رفت از رویداد تروریستی در پاریس نیز ذکری به عمل آمده که بل اثر آن در موضع دولت های قدرتمند غربی یک چرخش نسبتاً جدی علیه گروه های تروریستی و دولت های حامی آنها بوجود آمده است.

همچنان در نوشته مذکور به مقصد نشان دادن تمایل پاکستان به صلح آمده است که بعد از ۱۵ سال سعی و تلاش سر انجام دولت پاکستان ترکمنستان، افغانستان و هندوستان روی پروژه (Tapi) رسماً توافق نموده اند که می باید جهت انتقال گاز ترکمنستان به پاکستان و هندوستان احداث خط پایپ لین با عبور از هفت صد و پنجاه کیلومتر خاک افغانستان به پاکستان و هندوستان صورت می گیرد، که این پروژه بزرگ بیشتر از هر سه کشور دیگر بر منافع اقتصادی پاکستان اثر عمیق داشته و پاکستان ترغیب خواهد شد به حمایت خود از فعالیت های تروریستی پایان داده و بتواند در فضای امنیت از گاز و برق مورد نیاز و دیگر داد و گرفت تجارتي و اقتصادی استفاده برد.

همچنان از این قلم در نوشته مورخه ۲۰۱۶/۱۱/۹ تحت عنوان یک صبح خوب یک خبر خوشایند آمده است، از آنجائیکه در شانزده سال اخیر سرنوشت کشور افغانستان با سیاست های دولت ایالات متحده آمریکا گره خورده، خواه ناخواه هر تحول مهم در آن کشور بی تاثیر در وضعیت کشور ما نخواهد بود، با در نظر داشت این مسأله پیروزی دونالد ترامپ به حیث چهل و پنجمین رئیس جمهور جدید آمریکا به فال نیک گرفته شده، تا یک تحول و یا یک چرخش نسبی در نهاد های سیاسی و نظامی آن کشور رونما گردد که در امر تغییر و تحول مثبت به نفع مردم آمریکا و خیر و صلح منطقه و جهان و منجمله کشور ما افغانستان بوجود آید.

در مورد جنگ و عملیات تروریستی تحت رهبری آشکار و پنهان دولت پاکستان آنقدر دلیل و مدرک فراوان ارائه گردیده که گمان نکنم نزد دولت های جهان و کسانی که جنگ های افغانستان را تعقیب نموده اند دیگر جای شک و تردیدی باقی مانده باشد. البته سال ها قبل از امروز دولت آمریکا می دانسته که گروه های طالبان و سازمان القاعده تحت حمایت دولت پاکستان قرار داشته ولی اینکه چرا رسماً به روشنی و قاطعانه افشا نکرده اند، جای بسی سوال هاست.

اما اینکه بالاخره بتاريخ ۲۰۱۷/۷/۲۱ پس از گذشت هفده سال ایالات متحده آمریکا نام پاکستان را حالا در فهرست کشور هایی جا داده است که به هراس افغانان پناهگاه امن فراهم ساخته است. اعتراف و افشای این قضیه چیزی سده ای نیست، گذشته از مصارف بیش از یک تریلیون دالر، تلفات جانی هزاران عسکر امریکایی و کشور های عضو ناتو و ده ها هزار عسکر و پولیس ملی افغان و افراد ملکی بی گناه به حال فجیع کشته شده اند. لذا اثبات و افشای این مسأله مسؤلیتی را متوجه دولت ها و سازمان ملل نیز می نماید، که باید از طریق مراجع حقوقی و قانونی برای ختم هرچه زودتر جنگ در افغانستان و حتی پرداخت غرامت و تاوان جنگ دولت پاکستان را وادار نمایند.

در اینجا شاید ذکر این مثال هم ضرور و هم کافی باشد «تیودور پو، قانون گذار و عضو جمهوری خواه مجلس نمایندگان کانگرس ایالات متحده آمریکا بتاريخ منبع صدای امریکا ۲۰۱۷/۶/۲۸ چنین گفته است: پاکستان حامی تروریسم است، همه راه های دهشت و ترور به پاکستان منتهی شده و گروه های دهشت افکن مانند شبکه حقانی،



تحریک طالبان، لشکر طیبیه و سایر گروه هایی که در منطقه، مخصوصاً در افغانستان و هندوستان حملاتی را انجام می دهند، در پاکستان مستقر بوده و از سوی آن کشور حمایت مالی، استخباراتی، آموزشی و تجهیزاتی می شوند.

تیودور پو، ضمن بیان انتقاد های شدید گفته است که اردوی پاکستان با گروه های دهشت افکن در سرتاسر جهان همکاری بوده و به گفته وی پاکستان با همه گروه های دهشت افکن فعال در افغانستان، ارتباط دارد.

رئیس جمهور افغانستان گفته است که در حال حاضر کم و بیش ۲۰ گروه مختلف دهشت افکن در آن کشور فعالیت دارند. مقام های افغان همواره پاکستان را متهم کرده اند که میان دهشت افکنان تفکیک قایل شده و آنان را به "دهشت افکن خوب و دهشت افکن بد" دسته بندی کرده است.

آقای تیودور پو، نیز با اشاره به عملیات نظامیان پاکستانی در مناطق قبایلی تاکید می کند که تنها آن دهشت افکنانی از سوی نظامیان پاکستان سرکوب می شوند که بر ضد پاکستان عمل می کنند. این عضو جمهوری خواه مجلس نمایندگان ایالات متحده هم چنان گفت که پاکستان از مساعدت سرشار امریکا برای مبارزه با تروریسم مستفید شده و در عوض به امریکایی ها دروغ گفته و پاداش کاری را می طلبد که اصلاً انجام نداده است. امریکا در ۱۶ سال گذشته ده ها میلیارد دلار به پاکستان داده است تا با گروه های دهشت افکن مبارزه کند.

تیودور پو از رئیس مجلس نمایندگان کانگرس امریکا خواسته که مساعدت های مالی امریکا به پاکستان قطع شود و آن گونه که ماهیت پاکستان است، باید دولت حامی تروریسم شناخته شود و در نهایت بیش از این متحد ایالات متحده پنداشته نشود» جنگ و جنایات وسیع و دیر پای تروریستی طاقت فرسا نه تنها دامنگیر افغانستان بوده بلکه به یک مسأله بسیار مهم و تهدید آمیز برای منظوقی و جهانی مبدل گردیده است.

با این حال سیستم سرمایه داری منظوقی و جهانی نیازمند ثبات و امنیت است و ادامه وضعیت موجود به جز ضرر و زیان به نفع هیچ کشور و دولتی نیست. کشور های همسایه افغانستان چون تاجکستان، ازبکستان ترکمنستان و قزاقستان هر آن خود را در خطر رخنه تروریسم از سرحدات افغانستان در کشور شان دیده چنانکه اخیراً دولت قزاقستان با دولت افغانستان به توافق رسیده اند تا در مرز میان دوکشور در مبارزه علیه تروریسم همکاری لازم را به عمل آرند، شاید عنقریب کشور ازبکستان، ترکمنستان و تاجکستان نیز در این زمینه با افغانستان اقدام به همکاری و یاری نمایند. مسلماً در همچو اقدامات و همکاری منافع روسیه نیز نهفته است.

دولت چین به حیث دومین قدرت اقتصادی آنچه از همه برایش با اهمیت است به کار اندازی هزاران میلیارد دلاری است که در بانک های داخل کشور و خارج تراکم نموده و می باید به کار و حرکت افتد، چنانکه در بخش ایجاد

خطوط آهن در سطح منطقه و جهان از حالا یک تریلیون دلار را تخصیص داده و در نظر دارد تا سه تریلیون دلار را به مصرف رسانده و از آن در کشور های آسیا، افریقا و جا های دیگر بهره برداری نماید.

کشور هند با اقتصاد رو به رشد و شکوفائی هرگز نیاز به فعالیت های تروریستی نداشته و با حوصله مندی کوشیده از تحریکات تروریستی پاکستان در کشمیر در گیر جنگ نشود و تا جائیکه دیده شده بیشتر از هر کشوری در تلاش است تا پروژه های بسیار ثمر بخشی را در افغانستان بوجود آورده و دولت پاکستان را در جهت صلح ترغیب نماید. برای دولت ایالات متحده آمریکا راه بازگشتی قبل از شکست گروه های تروریزم در افغانستان وجود ندارد و با همه بی مبالائی رئیس جمهور ترامپ حزب جمهوری خواه آن کشور تلاش دارد، در جنگ و مبارزه علیه گروه های تروریستی در افغانستان پیروز مندانه بیرون آید و این پیروزی را بنام حزب جمهوری خواه و دولت امریکا ثبت نماید. و با این منظور امریکا می خواهد رقبای بزرگ خود نظیر اتحادیه اروپا، روسیه و غیره را به دنباله روی و ابر قدرت بودن خود به تمکین وا دارد و دولت های سرکش مثل ایران و پاکستان را در محل هم می باید مرعوب و یا به سرنوشت عراق و سوریه مبدل نماید.

افغانستان که به مثابه دروازه ورودی به منطقه آسیای میانه محسوب گردیده و کشور های منطقه از لحاظ منابع نفت و گاز طبیعی غنی ترین ممالک دنیا بشمار می آیند و افغانستان نیز گذشته از موقعیت ستراتیژیک دارای منابع سرشار از مس، طلا سنگ های قیمتی و غیره بوده که در یک سروی ابتدایی از سوی امریکا ارزش آن بالغ بر سه تریلیون تثبیت گردیده است بناءً واضحست که نیاز مبرم به تأمین امنیت دارد تا مورد بهره برداری قرار گیرد.

خلاصه دیگر جا برای سیاست دو پهلوی رهبران ملکی و نظامی پاکستان باقی نمانده است، دولت امریکا هم بیش از این نمی تواند با مصارف نجومی جنگ و راه اندازی جنگ و جنایات از سوی پاکستان در افغانستان با شکیبایی تحمل نموده و به باج دهی تن دهد. لذا اگر اوضاع سیاسی به همین منوال که تازه در امریکا آغاز شده ادامه یابد می توان پیش بینی نمود که اکثراً در طی یکی دو سال دیگر صلح و امنیت نسبی در منطقه برقرار خواهد شد زیرا در این مدت رهبران پاکستان ناگزیر خواهند بود عملاً از حمایت فعالیت های تروریستی دست بردارند و یا شاهد تجزیه کشور شان خواهند بود.

در تبصره پایانی این نوشته می خواهم دو سه سطر از نوشته قبلی ام را یکبار دیگر در اینجا متذکر شوم:

تجارب تاریخی میرساند که تداوم و سرنوشت دولت ها نیازمند به الگو های انسانی است و ساختن جامعه و تداوم نظام سیاسی جبراً نیازمند مصلحت، کنار آمدن، مذاکره و مسامحه کردن و با دوستان و دشمنان روابط سیاسی برقرار کردن و حتی جبراً بعضی معاهدات بین المللی را پذیرفتن ولو خلاف خواست های دینی مذهبی و ایدئولوژیکی هم باشد، چون این اقتضاء و لازمه فلسفه وجودی دولت هاست. پایان